



## Necessary Conditions for Criminalizing Media Manipulation in Light of the Verse on Agitation (Arabic: إِرْجَاف, Romanized: 'Irjāf)

Alī Morād Heydarī<sup>1</sup>

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: [a.m.heydari@um.ac.ir](mailto:a.m.heydari@um.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received 21 July 2024

Received in revised form 10 August 2024

Accepted 10 September 2024

Available online 11 September 2024

#### Keywords:

Agitation (Arabic: إِرْجَاف, Romanized: 'Irjāf), Media agitation, Public rights, Publication of false statements, Media Law, Propaganda against the system.



### ABSTRACT

In line with the expanding role of media in social life and the increasing susceptibility of the general public to it, the market for false and shocking news—especially news related to security issues and armed conflicts—has heated up. On the other hand, the prohibition of “agitation” (Arabic: إِرْجَاف, Romanized: 'Irjāf) and the stipulation of severe punishment, along with the emphasis on dealing with “Murjifūn” (agitators) in verses 60 to 62 of sūrat AL-Aḥzāb, provide a jurisprudential basis for “protecting the psychological security of citizens” and complement the crime of “Muḥāraba” (Arabic: الْمُحَارَبَةُ, meaning fight or waging war) refers to ensuring the material security of citizens. From a legal perspective, the legislator, by criminalizing “Baghy” (Arabic: البغي, meaning trespass) and “propaganda against the system,” has protected the political system against both hard and soft threats. However, the protection of the people is limited to the crime of “muḥāraba” and confined to hard threats (life, financial, and security). There has been silence in the face of threats to the psychological security of the public through organized news fabrication and dissemination, which causes anxiety, despair, and discomfort among people and citizens. The question arises: what necessity is there to criminalize “media agitation”? This article, conducted descriptively and analytically using library tools, reveals that ensuring the psychological security of citizens—as a clear example of public rights—requires the separate criminalization of media agitation.

**Cite this article:** Heydarī, A.; M. (2024). Necessary Conditions for Criminalizing Media Manipulation in Light of the Verse on Agitation (Arabic: إِرْجَاف, Romanized: 'Irjāf). *Quranic Doctrines*, 21 (39), 133-156. <https://doi.org/10.30513/qd.2024.6189.2403>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

## بایسته‌های جرم‌انگاری فضا سازی رسانه‌ای در پرتو آیهٔ ارجاف

علی‌مراد حیدری  

۱. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.  
رایانامه: [a.m.heydari@um.ac.ir](mailto:a.m.heydari@um.ac.ir)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

به موازات گسترش نقش رسانه‌ها در زندگی اجتماعی و افزایش تأثیر پذیری عموم مردم از آن‌ها، بازار اخبار و اطلاعات غیرواقعی و شوک‌آور، به‌ویژه اخبار مربوط به مسائل امنیتی و درگیری‌های مسلحانه، داغ‌تر شده است. از سوی دیگر، نهبی از «ارجاف» و تعیین کیفر شدید و تأکید بر سنت بودن برخورد با «مُرجِفون» در آیات ۶۰ تا ۶۲ سورهٔ مبارکهٔ احزاب، مبنای فقهی حمایت از «امنیت روانی شهروندان» و مکمل جرم محاربه (تضمین‌کنندهٔ امنیت مادی شهروندان) است. از جنبهٔ حقوقی، قانون‌گذار با جرم‌انگاری «بغی» و «تبلیغ علیه نظام»، نظام سیاسی را در برابر هر دو نوع آسیب سخت و نرم حمایت کرده است، لکن حمایت از مردم منحصر به جرم‌انگاری «محاربه» و محدود به آسیب سخت (جانی، مالی و امنیتی) است و در قبال آسیب به امنیت روانی مردم، از طریق خبرسازی و خبرپراکنی‌های سازمان‌یافته که موجب دلهره، ناامیدی و ناراحتی مردم و شهروندان می‌شود، سکوت اختیار کرده است. پرسش این است که چه ضرورتی برای جرم‌انگاری «فضاسازی رسانه‌ای» وجود دارد؟ نوشتار حاضر با شیوهٔ توصیفی - تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تضمین امنیت روانی شهروندان (از مصادیق بارز حقوق عامه) نیازمند جرم‌انگاری جداگانهٔ فضاسازی رسانه‌ای است.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

کلیدواژه‌ها:

ارجاف، فضاسازی رسانه‌ای، حقوق عامه، حقوق رسانه، نشر اکاذیب، تبلیغ علیه نظام.



**استناد:** حیدری، علی‌مراد. (۱۴۰۳). بایسته‌های جرم‌انگاری فضا سازی رسانه‌ای در پرتو آیهٔ ارجاف. آموزه‌های قرآنی، ۲۱ (۳۹)، ۱۳۳-۱۵۶. <https://doi.org/10.30513/qd.2024.6189.2403>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

## مقدمه

در فقه جزایی، بسیاری از هنجارانگاری‌های مربوط به امنیت عمومی، به‌جز در موارد معدودی مانند بغی، ناظر به حمایت از «جامعه اسلامی»، به معنای مردم و شهروندان است، نه «حکومت اسلامی» به معنای نظام سیاسی. حکومت اسلامی هم اگر حق یا تکلیفی در برخورد با هنجارشکنی دارد، از باب وظیفه‌ی حمایت از مردم و تأمین امنیت روانی آنان است، نه دفاع از خود.

مفهوم قرآنی «ارجاف» نمونه‌ی بارز این رویکرد است که به‌ویژه در فضای جامعه‌ی امروزی متأثر از رسانه‌ها، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، به‌گونه‌ای که در ادبیات اجتماعی و فرهنگی امروز، از آن به «فضاسازی رسانه‌ای» تعبیر می‌شود.

با وجود این، در نظام تقنینی کنونی امنیت روانی، مفهوم نظام به معنای حکومت اسلامی مبنای جرم‌انگاری قرار گرفته است و خصوصاً در جرم فعالیت تبلیغی - ماده‌ی ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) -، موضوع جرم، کلیت نظام به معنای ساختار حکومت یا گروه‌های معاند با ساختار حکومت است، درحالی‌که فضاسازی رسانه‌ای، به‌عنوان رفتاری علیه آسایش روانی مردم و شهروندان، متفاوت از جرم فعالیت تبلیغی است. نسبت «فعالیت تبلیغی علیه نظام» با «فضاسازی رسانه‌ای» از قبیل نسبت «بغی» با جرم «محاربه» است، با این تفاوت که مقنن در قلمرو «امنیت مادی»، اقدامات خشونت‌آمیز در هر دو فرض بغی و محاربه را جرم‌انگاری کرده است، اما در قلمرو «امنیت روانی»، فقط فعالیت تبلیغی علیه نظام جرم‌انگاری شده است. در خصوص فضاسازی رسانه‌ای، به معنای خبرسازی و خبرپراکنی‌های گسترده، سازمان‌یافته و هماهنگ با هدف ایجاد شوک، دلهره، یأس و بدبینی بین مردم، با این‌که نقش بسیار مخربی در آرامش روانی شهروندان دارد، قانون‌گذار سکوت کرده است.

**اهمیت و ضرورت پژوهش:** اهمیت این پژوهش از دو جهت است: از یک سو ارجاف (فضاسازی رسانه‌ای) در قرآن موضوعی بسیار مهم و دارای مجازات شدید و معین است. همچنین تأکید شده است که این برخورد سنت و روشی همیشگی در جامعه اسلامی است. از این‌رو نادیده گرفتن آن در نظام تقنینی اسلامی قابل توجیه نیست. از

سوی دیگر، مسئولان عالی‌رتبه نظام، مقابله با برهم زدن امنیت ذهنی مردم را مصداقی از احیای حقوق عامه و وظیفه روی زمین مانده قضائه دانسته‌اند که باید با کار علمی و قاعده‌مند به آن ورود کند.<sup>۱</sup>

جرمانگاری فضاسازی رسانه‌ای به جهت محدودسازی حق آزادی بیان (از حقوق طبیعی بشر) با چالش نظری ناشی از مخالفت جدی و شدید طرف‌داران حقوق بشر و چالش عملی ناشی از تراحم حقوق عامه با آزادی‌های فردی روبه‌روست.

پرسش پژوهش این است که از جنبه فقهی و حقوقی، چه توجیه و ضرورتی برای جرم‌نگاری فضاسازی رسانه‌ای وجود دارد.

**فرضیه پژوهش:** ناقص و ناکافی بودن جرم‌نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام و ضرورت جرم‌نگاری مستقل فضاسازی رسانه‌ای در راستای حمایت از امنیت روانی مردم، به‌عنوان یکی از حقوق عامه است.

**پیشینه پژوهش:** عطیه الحجمی (۱۴۰۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان اطلاعات غلط و راه‌های مقابله با آن از دیدگاه قرآنی (یک مطالعه تحلیلی)، با هدف استخراج درمان‌های قرآنی پدیده فریب و با رویکرد تحلیلی - استقرایی، عوامل روان‌شناختی، عقیدتی و شناختی، کنترل نظامی و عوامل مذهبی مؤثر در شیوع اطلاعات غلط را بررسی کرده است.

رستگاری (۱۳۹۲) در پایان‌نامه‌ای با عنوان جنگ روانی و راهکارهای مقابله با آن در قرآن کریم با تأکید بر کاربردهای رسانه‌ای، با تبیین مفهوم و مصادیق جنگ روانی به

---

۱ «به قانون اساسی که شما مراجعه می‌کنید، می‌بینید که وظیفه قوه قضائیه فقط محکمه‌داری در دادسراها یا در دادگاه‌ها نیست که دادرسی دعاوی و اختلافات و مانند این چیزها باشد؛ فقط این نیست. وظایف مهم دیگری در قانون اساسی بر عهده قوه قضائیه گذاشته شده، مثلاً یکی از آن‌ها احیای حقوق عامه است. حقوق عامه خیلی چیز مهمی است. شناسایی حقوق عامه خودش یک مسئله است، احقاقش [هم] یک مسئله‌ای است که خیلی هم سخت است. حالا مثلاً اگر من بخواهم مثال بزنم، یکی از حقوق عامه، امنیت روانی جامعه است. این که یک عده‌ای آنجا بنشینند و با استفاده از فضای مجازی یا غیرمجازی مدام روی اعصاب مردم راه بروند و امنیت ذهنی مردم را به هم بزنند، مردم را بترسانند و مانند این‌ها، خوب این خلاف مقتضای احیای حقوق عامه است و قوه قضائیه باید وارد بشود. البته اطلاع دارم که در بعضی اوقات و در بعضی از موارد دادستانی‌ها وارد شده‌اند و کارهایی هم انجام داده‌اند، لکن باید با برنامه‌ریزی و با انضباط این کار انجام بگیرد، این کار باید با قاعده انجام بگیرد. این جایش خالی است و بایستی مثلاً این کارها را انجام بدهد» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، ۱۴۰۲).

راهکارهای قرآنی مقابله با اخبار جعلی پرداخته است.

کمال اکبری و مجید پاک‌نیت (۱۴۰۳)، در مقاله «راهکارهای قرآنی مواجهه رسانه ملی با اخبار جعلی»، با تحلیل مضمون آیات قرآنی ناظر بر اخبار جعلی، راهکارهای احساسی و رفتارهای قرآن برای مقابله با اخبار جعلی را بررسی کرده‌اند.

ترکشوند، حیدری و قیوم‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله «جرم سیاسی ارجاف در فقه اسلام»، ارجاف را به‌عنوان اقدام علیه حکومت و امام معصوم به‌مثابه جرم سیاسی شناسایی کرده‌اند و معتقدند مجازات قتل یا تبعید در مورد کسانی که از مصادیق محاربه و بغی محسوب شوند (مجازات حدی) اجرا می‌شود و در غیر این صورت، به دلیل قاعده «التعزیر فی کل معصیه» و قاعده «التعزیر بید الحاکم» شخص مستحق تعزیر است.

پژوهش‌های دیگری نیز در این زمینه انجام شده است، لکن اولاً عمده آن‌ها ناظر به خبر جعلی و کذب است و ثانیاً در قالب عناوین جزایی موجود مصداقیابی شده‌اند و در هیچ یک از این پژوهش‌ها، ارجاف و فضا‌سازی رسانه‌ای به‌عنوان یک جرم مستقل (صرف نظر از صدق و کذب محتوا) پیشنهاد نشده است. نوشتار حاضر اولین اثری است که درصدد تبیین مفهوم و دامنه ارجاف و تعیین سازوکاری قانونی برای جرم‌انگاری مستقل فضا‌سازی رسانه‌ای است.

**روش پژوهش:** این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی است و به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، شامل کتب تفسیری و مقالات حقوقی و با تحلیل واژگانی و محتوایی آیات ۶۰-۶۲ سوره احزاب و نقد مواد ۵۰۰ و ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) انجام شده است.

**هدف پژوهش:** تعیین چارچوب مفهومی و مصداقی قاعده فقهی «ارجاف» و تبیین الزامات حقوقی جرم‌انگاری «فضا‌سازی رسانه‌ای» و تعیین مجازات بازدارنده و ارائه متن پیش‌نویس ماده قانونی برای الحاق به قانون مجازات اسلامی است.

**ساختار پژوهش:** در دو بخش فقهی و حقوقی ساماندهی شده است. در بخش نخست، امکان استنباط حکم فقهی از دلیل قرآنی با توجه به شأن نزول، مفهوم لغوی، فرازمانی و فرامکانی بودن ارجاف و رابطه آن با اذاعه بررسی شده است و در بخش دوم، ادله موافقان و مخالفان جرم‌انگاری فضا‌سازی رسانه‌ای و اشکالات جرم‌نشر اکاذیب و

تبلیغ علیه نظام در حمایت از امنیت روانی مردم بررسی شده است.  
**یافته‌های پژوهش:** نشان می‌دهد که جرم نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام هر کدام ناظر به موضوعی خاص و متفاوت است و به‌ویژه با توجه به میزان مجازات ناچیز، عملاً قابلیت مقابله با فضاسازی رسانه‌ای را ندارند. از این رو وضع ماده قانونی جدید برای مقابله با فضاسازی رسانه‌ای و حمایت از امنیت روانی مردم ضروری است.

### ۱. ارجاف به‌عنوان مبنای فقهی جرم‌انگاری

شناسایی ارجاف به‌عنوان مبنای فقهی جرم‌انگاری فضاسازی رسانه‌ای مستلزم بررسی آیه ارجاف، شأن نزول آن، واژه‌شناسی مفردات آیه، مصداق‌شناسی ارجاف، قابلیت استنباط حکم وضعی از موضوع ارجاف و همچنین بررسی قلمرو زمانی و مکانی حکم است که در ادامه خواهد آمد.

#### ۱-۱. دلیل قرآنی

ارجاف، برگرفته از آیه ۶۰ سوره احزاب است که می‌فرماید: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾؛ «اگر منافقان و آن‌ها که در دل‌هایشان بیماری هست و (همچنین) آن‌ها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس را در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم. سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند». جایگاه و کم‌وکیف برخورد با مرجفین هم در آیات ۶۱ و ۶۲ این سوره این‌گونه آمده است: ﴿مَلْعُونِينَ أَيْمًا تُقْفُوا أَخْذُوا وَقْتِكُمْ وَقْتًا﴾ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ «از همه جا طرد می‌شوند و هر جا یافت شوند، گرفته خواهند شد و به قتل خواهند رسید. این سنت خداوند در اقوام پیشین است و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییری نخواهی یافت».

#### ۲-۱. شأن نزول

در تفسیر علی بن ابراهیم، در شأن نزول آیه آمده است: هنگامی که پیامبر (ص) به بعضی از غزوات می‌رفتند، گروهی از منافقین در مدینه انواع شایعات را در مورد ایشان بین مردم منتشر می‌ساختند. گاه می‌گفتند پیامبر کشته شده و گاه می‌گفتند اسیر شده است.

به دنبال آن، مسلمانانی که توانایی جنگ نداشتند و در مدینه مانده بودند، سخت ناراحت می‌شدند و در نتیجه نزد پیامبر(ص) شکایت کردند. این آیه نازل شد و سخت این شایعه‌پراکنان را تهدید کرد که اگر منافقان و کسانی که در قلبشان بیماری هست و نیز کسانی که اخبار دروغ را در مدینه پخش می‌کنند، دست از کارشان بر ندارند، ما تو را بر ضد آنان می‌شورانیم و بر آن‌ها مسلط خواهیم ساخت. سپس جز مدت کوتاهی نمی‌تواند در کنار تو در این شهر بمانند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۶).

### ۳-۱. واژه‌شناسی

از جنبهٔ لغوی، «مُرْجِفُونَ» از مادهٔ «ارجاف» و اصل «ارجاف» از «رَجَفَ» به معنای لرزیدن و لرزاندن گرفته شده است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۶۱). راغب در مفردات، آن را اضطراب شدید گفته است (اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۴۴). در صحاح نیز آن را زلزله و اضطراب شدید معنا کرده و گفته است به دریا «رَجَفَ» گویند، به دلیل اضطراب و حرکت شدید موج‌ها (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۳۶۲). در قاموس قرآن ذیل «وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ» گفته است: «مُرْجَفَ» به معنای اضطراب‌آور است و مراد از آن، کسانی‌اند که با نشر دروغ، مردم را مضطرب و ناراحت می‌کردند و «أَرَجِيفَ» دروغ‌های وحشت‌آور است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۷). بنابراین از نظر لغت، ارجاف شامل اخبار و مطالبی است که موجب ناراحتی و ترس و اضطراب و به اصطلاح، خالی شدن دل مردم گردد.

«لِنُعْرِيَنَكَ» هم به معنای «لِنَسْلَطَنَّكَ» است، به معنای این‌که تو را بر آن‌ها مسلط می‌کنیم، یعنی اگر منافقان به کارشان ادامه بدهند، به تو دستور می‌دهیم با آن‌ها کاری کنی که خوشایند آنان نیست، و در اصل، از واژهٔ «اغراء» به معنای تشویق و تحریض بر انجام کار است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۱۵). «تُقِفُوا» نیز از ماده «تَقَفَ» و «تَقَافَتَ» به معنای دست یافتن به چیزی با دقت و مهارت است (اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۱۷۳).

از جنبهٔ اصطلاحی و در نگاه مفسران نیز «ارجاف»، به معنای اشاعهٔ اباطیل برای بهره‌برداری مادی است و «مرجفون» کسانی بودند که برای دل‌مشغول کردن مؤمنین دروغ‌پراکنی می‌کردند و «نُعْرِيَنَكَ» به معنای مسلط کردن بر آنان است (طوسی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۶۱). از دید برخی دیگر، «مُرْجِفُونَ» جمع اسم فاعل از مادهٔ «ارجاف» به معنای

اشاعه باطل و در سایه آن، استفاده‌های نامشروع بردن یا حداقل مردم را دچار اضطراب کردن است. «نُغْرِيئِك» از ریشه «اِغْرَاء» به معنای تحریک کسی به انجام عملی است، یعنی اگر منافقین و بیماردلان دست از فسادانگیزی بر ندارند و کسانی که اخبار و شایعات دروغ را در بین مردم انتشار می‌دهند تا از آب گل آلود، اغراض شیطانی خود را به دست آورند یا حداقل در بین مسلمانان دلهره و اضطراب پدید آورند، تو را مأمور می‌کنیم علیه ایشان قیام کنی و نگذاری در مدینه در جوارت زندگی کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۴۰). «سنت» نیز طریقه و روش تدبیر حکم است و به چیزی که یک یا دو بار انجام گیرد، سنت خدا و پیغمبر گفته نمی‌شود، زیرا سنت، روشی مستمر و جاری است. مقصود این است که خداوند درباره کسانی که نفاق پیشه می‌کنند و شایعه‌پراکنی می‌نمایند مقرر فرمود تا هر کجا پیدا شدند کشته شوند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰ و ۵۸۱).

#### ۱-۴. مصداق‌شناسی

از نظر مصداق‌شناسی، برخی فقها و مفسران «ارجاف» را شامل مطلق شایعه‌پراکنی (خرازی، ۱۴۲۳، ج ۷، ص ۴۰) و برخی نیز هر گونه شایعه‌پراکنی فرصت‌طلبانه برای دل‌مشغولی مؤمنین را مصداق ارجاف دانسته‌اند (ابن‌ادریس، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۶)، اما برخی دیگر «ارجاف» را به نوع خاصی از فضاسازی و شایعه‌پراکنی، مانند دروغ‌پردازی در جنگ منحصر دانسته‌اند، مثل این که کسی شایعه کند لشکر اسلام شکست خورده (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۹) یا دشمن در فلان موقعیت راهبردی کمین کرده است یا به‌زودی نیروی کمکی برای دشمن می‌رسد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷). برخی دیگر ارجاف را مصداقی از «إفساد فی الأرض» دانسته و به همین جهت معتقدند مجازات مرجفون، در صورتی که مرتکب قتل یا سرقت نشده باشند، تبعید است (حلی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۴). برخی دیگر هم ارجاف را ناظر بر امور خلاف عفت دانسته‌اند که بر اثر شایعات و حرف‌های بی‌اساس آن‌ها بازار بی‌بندوباری رونق و رواج پیدا می‌کند (شریعت موسوی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۹) و برخی دیگر اظهارات تفرقه‌افکنانه بین اهل سنت و شیعه را که برخی افراد مطرح می‌کنند مصداقی از ارجاف دانسته‌اند (شرف‌الدین، ۱۴۳۱، ج ۴، ص ۱۷).

از گفتار فقها بر می‌آید که اولاً ارجاف منحصر به شایعه‌پراکنی به معنای دروغ‌پردازی



نیست، بلکه فراتر از آن و صرف‌نظر از صدق یا کذب مطلب، در واقع، به معنای فضا‌سازی و انتشار اخبار یا مطالبی است که موجب ترس، وحشت، تزلزل، تردید، ناراحتی یا افسردگی در جامعه گردد، اعم از این‌که مطلب نادرست باشد (مانند خبر دروغ تجهیزات انبوه دشمن یا شکست لشکر اسلام) یا درست (مانند برجسته کردن محورهای تفرقه و اختلاف مذاهب یا گسترش مطالب غیراخلاقی و خلاف عفت). ثانیاً مواردی مانند تفرقه‌افکنی بین مذاهب اسلامی یا دروغ‌پردازی در زمان جنگ، مصادیق خاص از یک مقوله‌ی عام است که همان فضا‌سازی برای ایجاد دلهره، دل‌پوسی یا ناامیدی در میان مردم است.

### ۵-۱. قابلیت استنباط حکم

بحث مهم در این زمینه، امکان یا عدم امکان استنباط حکم وضعی در خصوص مرجعین است. یک احتمال این است که تهدید به مجازات صرفاً برای ارعاب و بازدارندگی است، نه اجرای عملی مجازات. به بیان دیگر، تهدید به مجازات، کارکرد پیشگیرانه دارد و برای این است که افراد به این رویه خود پایان دهند. تعبیر «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ» در ابتدای آیه و تعلیق حکم بر عدم اتمام این رویه، مؤید این احتمال است. برخی محققان تهدید به تنبیه و سرکوب شایعه‌سازان در این آیه را از جمله راهکارهای مواجهه‌ی احساسی قرآن با اخبار جعلی - در برابر مواجهه‌ی رفتاری قرآن با اخبار جعلی - دانسته‌اند (اکبری و پاک‌نیت، ۱۴۰۳، ص ۸۱). از جنبه‌ی تاریخی هم برخی مفسران، مانند جبائی گفته‌اند که «اغراء» وعده داده شد و حمله به ایشان و قتل آنان حاصل نشد، زیرا آن‌ها ترسیدند و از روششان دست کشیدند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰ و ۵۸۱).<sup>۱</sup>

احتمال دوم این است که مجازات‌های مذکور در آیه برای اجرا و اعمال وضع شده است و قالب ادبی آیه، از باب شرط و جزاست که در صورت تحقق شرط، جزا هم محقق می‌شود، وگرنه موجب لغویت است و لغو در کلام خداوند حکیم منتفی است. این‌که

۱. سیاست تهدید به مجازات به جای اجرای مجازات در سیستم تعزیرات امری شناخته شده است تا جایی که برخی فقها تعزیر عملی را منوط به رعایت مراتب تعزیر، مانند وعظ و توبیخ و تهدید دانسته‌اند (اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۴۴). در روایتی، امام صادق (ع) خطاب به جوانی که مرتکب خودارضایی شده بود فرمود: «لَوْ لَنْتَهَيْتَ وَإِلَّا ضَرَّئُكَ» (عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۵۸۲). همین تهدید، مانع تکرار کار از سوی آن جوان شد.

اعمال مجازات‌ها منوط به عدم انصراف مُرجفین شده، به این جهت است که مجازات این رفتار پیش از آن، اعلام نشده بود و مجازات این افراد به دلیل رفتاری که حکم آن قبلاً اعلام نشده، نوعی «عقاب بلا بیان» است که به حکم عقل و شرع قبیح است. بنابراین در آیه شریفه یک حکم واقعی وضع شده است و قاعده این است که هر کس دست به ارجاف و ترساندن مردم بزند، مستحق کیفرهای مذکور است و حاکم باید با آن‌ها برخورد و مرتکبان را مجازات کند. اتفاقاً بسیاری از مفسران، مانند ابی‌مسلم نیز معتقدند که تهدید اعلام‌شده در آیه مبنی بر این که تو را فرمان می‌دهیم تا آن‌ها را بکشی و مدینه را از لوٹ و وجود آن‌ها پاک‌سازی نمایی، قطعاً با قول خدا که فرمود: ﴿جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ﴾ (توبه/۷۳) حاصل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۰ و ۵۸۱).

طبق احتمال دوم، این پرسش پیش می‌آید که اگر آیه شریفه درصدد وضع یک حکم واقعی برای ارجاف بوده است و در این راستا «اخراج مرجفین از شهر» و «دستگیری و قتل آنان» را به‌عنوان مجازات بسیار سنگین و شدید تعیین کرده است، چرا فقهای عظام در کتب فقهی متعرض این بحث نشده و نه از باب حد و نه حتی تعزیر، آن را مورد حکم قرار نداده‌اند؟

### ۱-۶. قلمرو زمانی و مکانی حکم

این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا ضمانت اجراهایی که در آیات فوق برای ریشه‌کن کردن مفسده‌جویی شایعه‌پراکنان و برهم‌زنندگان آرامش روحی مردم آمده است، در سایر اعصار و قرون و برای حکومت‌های اسلامی نیز مجاز است یا خیر؟ کمتر کسی از مفسران در این زمینه بحثی به میان آورده است، ولی برخی معتقدند با توجه به این که در آیه ۶۲ می‌افزاید: «این سنت خداوند در اقوام پیشین است و برای سنت الهی هیچ گونه تغییری نخواهی یافت» که در حقیقت جدی بودن این تهدید، قطعی و ریشه‌دار بودن و غیر قابل تغییر و تبدیل بودن این حکم را بیان می‌کند، معلوم می‌شود که این حکم مانند سایر احکام اسلامی، به زمان و مکان و اشخاص اختصاص ندارد. بنابراین اگر سم‌پاشی و توطئه از حد بگذرد و به صورت یک جریان درآید و جامعه اسلامی را با خطرات جدی روبه‌رو سازد، چه مانعی دارد که حکومت اسلامی دستور آیات فوق را که به پیامبر(ص)

داده شده است اجرایی کند و مردم را برای در هم کوبیدن ریشه‌های فساد بسیج نماید؟! بدون شک اجرای خودسرانه این‌گونه کارها و مانند آن، مجاز نیست، به‌خصوص این‌که آن را سنتی تغییرناپذیر معرفی می‌کند، بلکه باید به اذن ولی‌امر مسلمین و حکام شرع صورت گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۳۴).

مفسر بزرگ، علامه طباطبایی نیز با اشاره به این‌که «سنت» به معنای طریقه معمول و رایج است که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری باشد، معتقد است خدای سبحان در آیه می‌فرماید: این عذاب و نکالی که به منافقین و آن دو طایفه دیگر وعده دادیم و گفتیم که تبعیدشان می‌کنیم و خونشان را هدر می‌سازیم، سنت خداست که در امت‌های پیشین نیز جاری ساخت. هر وقت قومی به راه فسادانگیزی و ایجاد فتنه افتادند و خواستند با هدف استفاده‌های نامشروع، در بین مردم اضطراب افکنند تا در طغیان و سرکشی بی‌مانع باشند، ما آنان را به همین طریق گرفتیم و تو هرگز دگرگونی در سنت خدا نخواهی یافت. پس در امت شما نیز همان چیزی جاری می‌شود که در امت‌های قبل از شما جاری شد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۴۰).

بنابراین فرازمانی و فرامکانی بودن آیات قرآن، به‌ویژه آیات دربردارنده احکام، به ضمیمه تصریح به سنت بودن این نوع برخورد در همه امت‌ها، بیانگر جواز و بلکه وجوب اتخاذ این رویه در جامعه اسلامی است، به‌ویژه در جامعه امروزی که به دلیل وجود ابزارهای رسانه‌ای، امکان و دامنه بر هم زدن امنیت روانی مردم بسیار بیشتر از زمان پیامبر (ص) است.

## ۷-۱. رابطه اذاعه و ارجاف

در قرآن فضا‌سازی منفی، اعم از «ارجاف» و «اذاعه» که همان دوگانه «خبرسازی» و «خبرپراکنی» است، سرزنش شده است، چراکه هر کدام مکمل دیگری است و هیچ کدام بدون دیگری اثر چندانی ندارد. در خصوص نوع دوم، در آیه ۸۳ سوره نساء آمده است: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحُوفِ أَدَّاعُوا بِهِ وَلَوْ زُودَهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾؛ «هر گاه خبری از پیروزی یا شکست به آن‌ها برسد، (بدون تحقیق) آن را پخش می‌کنند، درحالی‌که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان (کارشناسانی که

قدرت تشخیص دارند) ارجاع دهند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد». همان‌گونه که خبرسازی کار منافقان و بیماردلان است، خبرپراکنی کار افراد نادان و ضعیف‌الایمان است که ندانسته و بدون تحقیق، با پخش اراجیف مرجفون، مسلمانان را گرفتار عواقب غرور ناشی از پیروزی‌های خیالی یا دچار ترس و دلهره یا دودلی مربوط به شکست‌ها کرده و با سست کردن دل مردم، در زمین منافقان بازی می‌کنند و نهایتاً رفتار آنان به زیان جامعه اسلامی تمام می‌شود.

از دید برخی، افراد در اجتماعاتی که در فشار و خفقان قرار دارند، گاهی شایعه‌سازی و نشر شایعات را به‌عنوان یک نوع مبارزه یا انتقام‌جویی تعقیب می‌کنند، ولی برای اجتماعات سالم نشر شایعات زیان‌های فراوانی به بار می‌آورد، به‌ویژه اگر این شایعات درباره افراد لایق و مثبت و مفید باشد. این امر آن‌ها را از خدمات خود دلسرد می‌نماید و گاهی حیثیت چندین‌ساله آن‌ها را بر باد می‌دهد و مردم را از فواید وجود آنان محروم می‌سازد. به همین دلیل، اسلام صریحاً هم با «شایعه‌سازی» مبارزه کرده است و جعل و دروغ و تهمت را ممنوع می‌شمارد و هم با نشر شایعات مبارزه می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۲).

از دید نگارنده، حمل «ارجاف» بر شایعاتی که متضمن دروغ است، از منظر فقهی و حقوقی حملی نظام‌مند و قابل ارزیابی با معیارهای عینی است، لکن با توجه به آنچه از ظاهر آیه شریفه به ضمیمه شأن نزول آن برمی‌آید، منحصر کردن این مقوله به «شایعات»، انحصاری بدون دلیل است. کم‌این‌که اخبار پیروزی یا شکست در جنگ لزوماً کذب نیستند، بلکه آنچه اهمیت دارد، زمان و مکان و شرایط خبرپراکنی است که با ایجاد ترس، یأس یا غرور و تکبر موجب تردید یا نگرانی مردم می‌شود، به‌ویژه که واژه «کذب» اصطلاحی شناخته‌شده در ادبیات عرب و زبان قرآن است و در موارد زیادی بر مطلب دروغ و غیرواقعی اطلاق شده است و حتی در قرآن افرادی با تعبیر «سَمَاعُونَ لِّلْكَذِبِ» معرفی و نکوهش شده‌اند (مائده/۴۱ و ۴۲). چنانچه منظور از «ارجاف» صرفاً شایعه‌پراکنی بود، با مشتقات واژه «کذب» از آن یاد می‌شد که تکیه آن بر محتوای غیرواقعی مطالب است، نه واژه «ارجاف» که تکیه آن بر نتیجه انتشار مطالب (ترلز و ناراحتی) است.

## ۲. الزامات جرم‌انگاری فضای سازی رسانه‌ای

جایگاه فقهی ارجاف و تعیین مجازات اخراج از شهر و دستگیری و قتل که همانند آن کمتر دیده می‌شود، نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت امنیت روانی شهروندان در اسلام است. از سوی دیگر، اهمیت و جایگاه حقوق عامه و نقش خبرپراکنی‌های مغرضانه و فرصت‌طلبانه در برهم زدن امنیت روانی جامعه مستلزم بررسی حقوقی دقیق و تعیین چارچوب حقوقی برخورد با این پدیده است؛ چیزی که متأسفانه در نظام تقنینی ما مورد غفلت واقع شده است و برخلاف تعرض به اعتبار حکومت، اهمیت چندانی به آن داده نشده است. این در حالی است که بسیاری محققان، حق امنیت را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین «حقوق مخاطب»، شامل امنیت اطلاعات، امنیت روانی، امنیت اخلاقی، امنیت خانوادگی، امنیت آبرویی و دیگر انواع بسیار متعدد «امنیت نرم‌افزاری» مدنظر قرار داده و معتقدند که مخاطب حق دارد با آرامش خاطر، به زندگی اجتماعی و استفاده از رسانه‌های جمعی بپردازد و احساس نگرانی یا ناامنی (از جمله در راستای تهدید اطلاعات) نداشته باشد (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱).

با وجود این، از منظر حقوقی این پرسش مطرح است که آیا برخورد با فضای سازی رسانه‌ای و خبرسازی و خبرپراکنی‌های آزاردهنده اجتماعی که روح و روان مردم را می‌رنجاند، نیازمند وضع قانون جدید و جرم‌انگاری مناسب است یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، دو دیدگاه و رویکرد کلی وجود دارد:

### ۲-۱. مخالفان محدودسازی قانونی

دیدگاه نخست با تکیه بر اصل آزادی بیان و حق دسترسی به اخبار و انتشار آن، بر این باور است که اساساً ممنوعیت و جرم‌انگاری در حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای، نادرست و موجب محدودسازی آزادی‌های عمومی و شهروندی است. این دیدگاه عمدتاً از سوی دو گروه از محققان مطرح می‌شود:

### ۲-۱-۱. حقوق‌دانان کیفری

گروه نخست حقوق‌دانان کیفری‌اند که با رویکرد حداقل‌گرایی حقوق کیفری و بر اساس اصل اباحه، اساساً مخالف هر گونه محدودسازی رفتارهای انسانی در حوزه‌های

مختلف و به‌ویژه در قالب جرم‌انگاری هستند. از دید آنان، پرهیز از مجازات، یک هدف راهبردی حقوق کیفری است و موفقیت حقوق کیفری در حضور حداقلی و کم‌رنگ در جامعه است. در فرض ضرورت دخالت حقوق کیفری نیز باید تا جایی که امکان دارد از ابزار مجازات استفاده نشود (حیدری، ۱۴۰۲، ص ۱۳). از این منظر، بر اساس مقتضیات اصل «ضرورت»، محدودیت‌ها باید متناسب و در جهت دستیابی به اهداف مشروع دولت باشد. در واقع، محدودیت‌ها باید هدف خاصی داشته باشند و نباید بی‌رویه در حقوق افراد مداخله کنند. همچنین باید در میان ابزارهای مورد استفاده، از کمترین ابزار مداخله‌جویانه‌ای استفاده کنند که می‌توانند با آن به نتیجه مطلوب دست یابند. در واقع، اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش جرم‌انگاری فضاسازی رسانه‌ای، مخالفت حقوق‌دانان کیفری است که معتقدند سیاست جنایی نوین بر پایه محورهای جرم‌زدایی، قضازدایی و کیفرزدایی بنا شده است و جرم‌انگاری جدید نه‌تنها محدودسازی بیش از پیش آزادی‌های عمومی است، بلکه در تعارض با راهبرد کلی سیاست جنایی نیز هست.

## ۲-۱-۲. طرف‌داران حقوق بشر

گروه دوم طرف‌داران حقوق بشرند که آزادی بیان را یکی از حقوق طبیعی یا اساسی بشر و جزء جدایی‌ناپذیر جامعه دموکراتیک می‌دانند (ELFORD, 2021, p. 149) و محدودسازی آن را حتی در فرض کذب بودن اخبار هم بر نمی‌تابند. کمیته سابق حقوق بشر سازمان ملل (شورای حقوق بشر کنونی) در اظهار نظر خود در مورد سیستم حقوقی کامرون اعلام داشته بود: «تعقیب و مجازات روزنامه‌نگاران به جرم انتشار اخبار جعلی و صرفاً به دلیل کذب بودن خبر، نقض آشکار ماده ۱۹ میثاق است». در بخشی از «اعلامیه مشترک آزادی بیان و اخبار جعلی، اطلاعات نادرست و تبلیغات» نیز که گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر و نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در زمینه آزادی رسانه‌ها در سال ۲۰۱۷ منتشر کرد آمده است: «ممنوعیت عمومی انتشار اطلاعات بر اساس ایده‌های مبهمی مانند اخبار جعلی یا اطلاعات نادرست با قوانین حقوق بشری ناسازگار است و باید لغو شوند». آن‌ها همچنین تأکید کرده‌اند: «حق بشر برای انتشار اطلاعات و عقاید به اظهارات صحیح محدود نمی‌شود، بلکه از اطلاعات و ایده‌هایی که ممکن است شوک،

موهن و مزاحم باشند نیز حمایت می‌کند» (ایازی، شریفی طرازکوهی و پاکزاد، ۱۴۰۲، ص ۹۰). بنابراین بسیاری از طرف‌داران حقوق بشر، حتی برخلاف ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی بیان را حقی مطلق می‌دانند که محدودسازی آن را به هر دلیل و دستاویز، حتی بر پایه حفظ منافع ملی نمی‌پذیرند. از چهره‌های شاخص این دسته، رانالد مایلز دُورکین است که حتی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در محدودسازی آزادی بیان جهت حفظ اخلاق در پرونده‌های هرزه‌نگاری را هم مورد نقد قرار داده است (Dworkin, 1996, p. 206). این اندیشه ریشه در تفکر لیبرالیسم دارد که در تعارض و تقابل حقوق فردی و حقوق عمومی، تقدم و اولویت را به حقوق فردی می‌دهد. رانالد مایلز دُورکین در یکی از نوشته‌هایش تصریح می‌کند که در مقام تعارض حق آزادی بیان با منفعت عمومی و نیز اخلاق، اولویت و تقدم با حق آزادی بیان است و تنها عاملی که می‌تواند این حق بنیادین را محدود کند، این است که با رعایت این حق، خطری جدی، روشن و واضح (نه از سر حدس و گمان یا دل‌آزردگی اکثریت)، جامعه، جان، مال و حقوق درجه اول دیگران را در معرض تهدید قرار دهد. (Dworkin, 2013, p. 228). از دید آن‌ها مهم‌ترین منفعت ملی یک کشور این است که شهروندانش از حقوق بشر برخوردار باشند و به بهانه دفاع از منافع ملی، زیر پا گذاشتن حقوق بشر نه عاقلانه است و نه اخلاقی (ملکیان، ۱۳۹۸، ص ۵۳).

طرف‌داران حقوق رسانه و حقوق ارتباطات جمعی را هم باید ذیل همین گروه شناسایی کرد که از دید آنان، آزادی بیان بنیادی‌ترین حق رسانه‌هاست و حقوق رسانه‌ای دیگر مانند آزادی مطبوعات، حق دسترسی به اطلاعات، حق انتقاد، حق استقلال و رهایی از سانسور نیز ریشه در آزادی بیان دارد (انصاری، ۱۳۹۱، ص ۷). از این منظر هر گونه محدودسازی آزادی بیان مانعی در فعالیت حرفه‌ای رسانه‌ای و گسترش ارتباطات است. نتیجه این دیدگاه تفاوت چندانی با دیدگاه گروه نخست ندارد و هر دو گروه با جرم‌انگاری فضاسازی رسانه‌ای مخالفت می‌ورزند.

## ۲-۲. موافقان محدودسازی قانونی

دیدگاه دوم، قانون‌گذاری و چارچوب‌مندی فعالیت‌های رسانه‌ای را همچون هر گونه

فعالیت انسانی و اجتماعی دیگر، برای حفظ نظم در جامعه ناگزیر می‌داند و بر این باور است که وضع مقررات برای رسانه‌ها لزوماً و انحصاراً به منظور کنترل، محدودسازی، هدایت، سرکوب یا آسیب به آزادی نیست، بلکه به عکس، بدون قواعد و محدودیت‌ها اساساً آزادی وجود نخواهد داشت. صیانت از اخلاق عمومی در راستای حفظ منافع عمومی یک کشور، اغلب یکی از محدودیت‌ها بر سر راه حقوق بنیادین، از جمله حق آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به شمار می‌آید (Perrone, 2014, p. 361). بنابراین یک کشور می‌تواند اجرای حقوق بشر را در حوزه قضایی خود به دلیل صیانت از منافع عمومی (از جمله اخلاق عمومی)، محدود کند (حسینی و جلالی، ۱۴۰۱، ص ۴۹). از دید این گروه با توجه به ارزش‌های موجود در جامعه اسلامی، محدودیت‌های آزادی بیان در جامعه اسلامی بیشتر از اسناد بین‌المللی است (میرکلانی و محمدزاده، ۱۴۰۱، ص ۸۱). از این منظر، ساختار حقوقی غالباً تضمینی برای استقلال و آزادی و حتی شرط آزادی است، زیرا رسانه‌ها را از فشار قدرت‌های سیاسی و به‌ویژه قدرت‌های مالی در امان نگاه می‌دارد. بنابراین وجود مقررات برای رسانه‌ها، حتی برای خود آزادی، مطلوب و ضروری است و قطعاً بر دیگر آشکال کنترل که نمی‌توانند همین امتیازات یا تضمین‌ها را برای آزادی به همراه داشته باشند ترجیح دارد (دوریو و گرانسه، ۱۳۹۳، ص ۳۷). این استدلال به طور خاص در جوامعی صادق است که یک‌باره با فضای رسانه‌ای انبوه مواجه شده‌اند و هنوز تلقی درست و فرهنگ مشترکی در خصوص مفاهیم آزادی و حقوق رسانه‌ای در آن شکل نگرفته است و دولت‌ها با تهدید تلقی کردن گسترش رسانه‌ها، سعی بر نظارت و کنترل بیشتر بر کنشگران رسانه‌ای دارند. در چنین جوامعی تدوین مقررات، حتی مقررات جرم‌زا و محدودساز، موجب می‌شود با وضع قانون صریح و شفاف و قابل پیش‌بینی و انطباق‌پذیر، به‌جای این که افراد را به استناد قوانین مبهم و غیرمرتبط و غیرشفاف محاکمه و مجازات کنند، به‌ناچار رفتار ادعایی را با قوانین مشخص، شفاف و صریح تطبیق دهند و این خود تضمینی برای رعایت حقوق متهم است.

با وجود این، طرف‌داران این دیدگاه هم به دو گروه تقسیم می‌شوند:



## ۲-۲-۱. دیدگاه بسندگی قوانین کنونی

گروه نخست با این استدلال که در حال حاضر در قوانین کیفری کنونی، مقررات لازم و کافی برای تأمین امنیت روانی جامعه موجود است و در چارچوب «قانون مطبوعات» و نیز در قالب جرائمی مانند تبلیغ علیه نظام یا نشر اکاذیب می‌توان جلوی انتشار اخبار نادرست را گرفت، بر این باورند که نیازی به جرم‌انگاری جداگانه در این زمینه نیست (ایازی، شریفی طرازکوهی و پاکزاد، ۱۴۰۲، ص ۹۵). از این منظر، مخصوصاً تعیین مجازات زندان برای مقابله با اخبار نادرست، پذیرفتنی نیست.

## ۲-۲-۲. دیدگاه نیازمندی قانون جدید

گروه دوم با نقد قوانین کنونی و جرائم موجود، بر این باور است که مقررات فعلی در این زمینه ناقص و ناکارآمد و دارای ابهام و اشکال است و پوشش کاملی برای تأمین امنیت روانی جامعه ندارد. بنابراین باید جرم جداگانه‌ای در این زمینه وضع گردد (فتاحی و فریدونی، ۱۳۹۹، ص ۱۸). از این منظر برخلاف تصور نخستین، وضع جرم خاص «فضا‌سازی رسانه‌ای» و شناسایی رفتارهایی که در حال حاضر، درست یا نادرست، در قالب جرائم امنیتی یا جرائم مشابه (جرم مطبوعاتی) مورد محاکمه قرار می‌گیرند، نه تنها جای نگرانی ندارد، بلکه همان‌گونه که محققان گفته‌اند، اگر عملی جرم مطبوعاتی شناخته شود، برگزاری محاکمه علنی و حضور هیئت منصفه برای رسیدگی شرط است. این دو شرط، ابزاری برای حمایت از آزادی مطبوعات و حراست از حقوق فعالان این عرصه به شمار می‌رود که از افعال نفوذ دولت‌ها و ایراد فشار صاحبان قدرت بر مراجع رسیدگی‌کننده جلوگیری می‌کند (اسماعیلی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۱۴). تبیین و توجیه این دیدگاه مستلزم نقد و بررسی قوانین کنونی و عیارسنجی آن در پوشش برخورد با فضا‌سازی رسانه‌ای است.

## ۲-۲-۲-۱. جرم نشر اکاذیب

برابر ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به‌عنوان نقل قول به شخص

حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد، اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از یک ماه تا یک سال و یا شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم شود».

نقص این ماده در پوشش فضاسازی رسانه‌ای از این جهت است که اولاً در این جرم، وسیله موضوعیت دارد و نوع وسیله هم باید مکتوب و در قالب نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی یا خطی باشد، درحالی که فضاسازی رسانه‌ای بسیار فراتر و گسترده‌تر از چند ورقه چاپی یا خطی است و عمدتاً از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری یا فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی محقق می‌شود. بنابراین، ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) قابلیت تطبیق بر بخش زیادی از فضاسازی‌های رسانه‌ای را ندارد. ثانیاً موضوع این جرم «اکاذیب» و مطالب غیرواقعی است، درحالی که فضاسازی رسانه‌ای ممکن است با محتواهای درست یا شبه‌صادق انجام گیرد. کسی که اندکی آشنایی با امکانات تهیه و پخش خبر در رسانه داشته باشد، می‌داند که پردازش فنی خبر با «محتوای درست» در شکل و قالب نادرست به‌سادگی امکان‌پذیر است و این امر تجلی همان سخن مارشال مک لوهان، نظریه‌پرداز معروف علوم ارتباطات است که گفت: «رسانه پیام است» یا «پیام خود رسانه است» (مک لوهان، ۱۳۷۷، ص ۶). چه‌بسا تقبیح و سرزنش اذاعه اخبار شکست یا پیروزی در آیه ۸۳ سوره نساء نیز مؤید همین برداشت باشد.

## ۲-۲-۲-۲. جرم تبلیغ علیه نظام

برابر ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد».

رفتار مرتکب در این جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام است که به گفته بسیاری از حقوق‌دانان، متضمن نوعی استمرار در عمل تبلیغ است، و الا اگر کسی یک بار مصاحبه یا سخنرانی نماید، مشمول

ماده نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷، ص ۶۵). به بیان دیگر، این جرم زمانی محقق می‌شود که فردی معین در دوره‌ی زمانی عرفاً طولانی، به طور مستمر فعالیت رسانه‌ای داشته باشد، درحالی‌که فضا‌سازی رسانه‌ای ممکن است توسط یک فرد و با یک کنش رسانه‌ای، ولی در قالب یک کارزار رسانه‌ای هماهنگ و هدفمند زنجیره‌ای از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی واقع شود. اشکال مهم‌تر این است که موضوع جرم در این ماده، شامل «نظام جمهوری اسلامی ایران» یا «گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام» است<sup>۱</sup> و منظور از «نظام»، ساختار حکومت جمهوری اسلامی است، درحالی‌که «فضا‌سازی رسانه‌ای» ناظر به امنیت روانی مردم و شهروندان جامعه است و نه ساختار سیاسی حاکم. اشکال سوم این‌که مجازات این جرم از سه ماه تا یک سال حبس است که با توجه به تبصره‌ی ماده‌ی ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری<sup>۲</sup> و رویه‌ی قضایی مبتنی بر این تبصره، عملاً فاقد جنبه‌ی بازدارندگی است.

بنابر آنچه گفته شد، از دید نگارنده مقررات کنونی با خلأها و نواقصی که دارد، قابلیت پوشش جرم «فضا‌سازی رسانه‌ای» را ندارد و ضروری است جرمی خاص و مستقل در این زمینه وضع و تصویب گردد. روشن است فضا‌سازی رسانه‌ای ناظر به یک پروسه‌ی رسانه‌ای سازمان‌یافته، گسترده، هدفمند و دارای آثار مخرب اجتماعی است که به صورت یک جریان‌سازی رسانه‌ای، مانند تیتراژ زنجیره‌ای یا سرمقاله‌نویسی در

۱. جرم تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی علاوه بر این‌که جرمی رسانه‌ای است، دست‌کم در برخی از مصادیق خود می‌تواند از جمله جرائم سیاسی هم باشد. برابر اصل ۱۶۸ قانون اساسی و ماده‌ی ۳۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید در دادگاه کیفری یک مرکز استان، به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه انجام شود، لکن ماهیت امنیتی این جرم، این پرسش را مطرح کرده است که رسیدگی به جرم تبلیغ علیه نظام باید در دادگاه انقلاب صورت پذیرد یا در دادگاه کیفری یک. چنانچه طبق برداشت رایج حقوقی و قضایی اصطلاح «جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی» را شامل جرائم فصل اول کتاب تعزیرات بدانیم، در دادگاه انقلاب و در غیر این صورت، به‌عنوان جرم مطبوعاتی یا سیاسی باید در دادگاه کیفری یک مرکز استان مورد رسیدگی قرار گیرد.

۲. ماده‌ی ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری: «یک تبصره به شرح زیر به ماده‌ی ۱۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، با اصلاحات و الحاقات بعدی الحاق می‌شود: تبصره: چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه‌ی چهار می‌باشد».

روزنامه‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های عمومی هدفمند در رسانه‌ها، راه‌اندازی کارزار در فضای مجازی و بازنشرهای زنجیره‌ای واقع می‌شود. مانور رسانه‌ای سال ۱۳۸۸ با ادعای تقلب در انتخابات، ایجاد موج رسانه‌ای درخواست رفراندوم در سال ۱۴۰۰، فضا سازی رسانه‌ای شلیک عمدی به هوایم‌ای اوکراینی، فضا سازی رسانه‌ای متهم سازی نیروهای امنیتی داخلی به ایجاد حادثه تروریستی کرمان و مواردی از این قبیل که موجب خدشه‌دار شدن امنیت و آرامش روانی مردم می‌گردد، نمونه‌هایی از این دست است.

بنابراین، جرم فضا سازی رسانه‌ای به هیچ رو نمی‌تواند و نباید شامل رفتارهایی مانند استوری، پست گذاری، نقل قول یا بازنشرهای اتفاقی پست‌ها یا استوری‌های دیگران یا مصاحبه انفرادی غیرهدفمند شود.

## نتیجه‌گیری

### یافته‌ها

۱. قبح ارجاف و تعیین کیفر برای مرجفان، مستند به قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره احزاب است. تعیین کیفر سنگین اخراج از شهر، دستگیری و قتل با بیان صریح ﴿مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَقْتُلُوا قَتِيلًا﴾، نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت این کار و آثار سوء ارجاف برای جامعه اسلامی است.

۲. تصریح قرآن مبنی بر سنت الهی بودن برخورد با مرجفان با بیان ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ نَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾، نشان‌دهنده فرازمانی، فرامکانی بودن این حکم و همچنین امکان و بلکه لزوم تشریح تقنینی حکم مذکور در جامعه امروزی است. ضرورت جرم‌انگاری این عمل در شرایط خاص امنیتی و اجتماعی داخلی و بین‌المللی دوچندان است.

۳. «ارجاف» مفهوم عامی دارد که شامل هر گونه اثنا یا اخبار و هر گونه خبر سازی و خبرپراکنی است که موجب شوک، ترس، تردید و تزلزل، نومی‌دی و بدبینی عمومی در جامعه می‌شود. اگر پردازش یا پخش مطالب دروغین یا بیان مطالب درست در قالب‌های فنی و هنری یا شگردهای رسانه‌ای چنان باشد که برآیند عرفی آن، ترس و تردید یا ناامیدی و بدبینی گردد، مصداق ارجاف است.

۴. کیفر ارجاف از سنخ کیفر محاربه است که موضوع مورد حمایت در آن، مردم به معنای شهروندان است، با این تفاوت که در محاربه امنیت مادی (جسمی - مالی) مردم مورد حمایت است و در ارجاف امنیت معنوی (آرامش روانی) مردم.
۵. در جامعه اسلامی، امنیت روانی و آرامش روحی مردم از حقوق طبیعی و اساسی شهروندان است و تأمین و تضمین آن از وظایف ذاتی حکومت اسلامی است که به طور ویژه، در اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف مهم قوه قضائیه اعلام شده است.
۶. با این که در آموزه‌های فقهی، حمایت از مردم و آرامش روحی و روانی اولویت دارد، در نظام تقنینی موجود، موضوع امنیت روانی عمومی تنها در قالب تبلیغ علیه «حاکمیت» (به معنای ساختار سیاسی حاکم) مورد توجه قرار گرفته و به امنیت روحی و روانی مردم به صورت شایسته توجه نشده است. جرم‌انگاری تبلیغ علیه نظام در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که تنها تبلیغ علیه نظام (یعنی ساختار حکومت) یا به نفع گروه‌های معاند نظام را جرم‌انگاری کرده است، گواهی بر این ادعاست.
۷. جرم‌انگاری نشر اکاذیب در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نیز به دو دلیل نمی‌تواند معادل قاعده ارجاف به شمار آید: نخست به این جهت که در ماده ۶۹۸، جرم فقط از طریق اوراق چاپی و خطی مکتوب قابل تحقق است، درحالی که فضا‌سازی، بیشتر در رسانه‌های دیداری و شنیداری یا شبکه‌های اجتماعی واقع می‌شود. ثانیاً در نشر اکاذیب، دروغ بودن مطلب شرط است، درحالی که در ارجاف، از آنجا که حفظ و حمایت از امنیت روحی و روانی مردم ملاک است، صدق یا کذب خبرسازی یا خبرپراکنی شرط نیست، بلکه هر گونه بر هم زدن امنیت روحی و روانی مردم، در قالب شگردهای ترکیبی و تلفیقی رسانه‌ای، صرف نظر از صدق یا کذب محتوا مورد نظر است. به بیان دیگر، در تعیین دامنه فضا‌سازی رسانه‌ای صحت و سقم محتوا موضوعیت ندارد، بلکه عناصری مانند شکل پیام، ابهام‌گویی، تیتراژ، پویش‌سازی، استفاده از فضاهای متنوع رسانه‌ای، و شرایط خاص زمانی و مکانی باید مدنظر قرار گیرد. ثالثاً مجازات ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) به اندازه‌ای ناچیز است که عملاً هر گونه معامله کیفری برای افراد سودجو را به‌صرفه و کم‌هزینه می‌نماید، به‌ویژه که با وجود سازوکارهای ارفاقی قانون مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، عملاً برخورد با مرجفین بی‌معنا شده است.

## پیشنهادها

نظر به آنچه گفته شد، از دید نگارنده ضروری است جرم خاص «فضاسازی رسانه‌ای» با ارکان و شرایط جداگانه در قانون پیش‌بینی شود. با توجه به مبنای قرآنی جرم مذکور و تعیین نوع و میزان و کیفیت مجازات در قرآن، علی‌القاعده باید یک جرم حدی در کنار محاربه پیش‌بینی شود، لکن از آنجا که فقهای بزرگوار چنین جرمی را در کتاب حدود ذکر نکرده‌اند و عدم تعرض فقها قطعاً مبتنی بر دلایل فقهی است، جرم مذکور می‌تواند جرمی تعزیری با کیفری تعدیل شده، در کنار ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، به‌عنوان ماده ۵۰۰ مکرر قرار گیرد.

محتوای ماده می‌تواند به این صورت باشد: «هر گونه خبرسازی یا خبرپراکنی یا کنشگری مشابه در فضای رسانه‌ای یا فضای مجازی که با هدف برهم زدن آرامش خاطر و امنیت روانی مردم، با ترساندن، ناامید کردن، بدبین کردن یا ایجاد دوقطبی‌های کاذب یا مانند آن انجام شود یا نوعاً دارای چنین آثاری باشد، مستوجب حبس درجه پنج یا جزای نقدی درجه سه است.

**تبصره:** چنانچه این جرم در زمان جنگ یا تحولات و بحران‌های سیاسی و اجتماعی فراگیر انجام شود یا توسط چهره‌های مشهور اجتماعی یا مدیران و مسئولان دولتی یا در صداوسیما انجام شود، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود».

روشن است این نوشتار صرفاً پیشنهادی اولیه برای وضع یک ماده قانونی است و در صورتی که قانون‌گذار نیز با رعایت همه جهات و مصالح کشور چنین اراده‌ای داشته باشد، باید در چارچوب سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری، به‌ویژه با رعایت اصل شفافیت، قابل اجرا و قابل سنجش بودن به اجرای آن اقدام کند.<sup>۱</sup>

۱. سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مصوب رهبر معظم انقلاب که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۹۸/۰۷/۰۶ تنظیم و ابلاغ شده، به این شرح است: «[...] ۹. رعایت اصول قانون‌گذاری و قانون‌نویسی و تعیین سازوکار برای انطباق لوایح و طرح‌های قانونی با تأکید بر: قابل اجرا بودن قانون و قابل سنجش بودن اجرای آن؛ معطوف بودن به نیازهای واقعی؛ شفافیت و عدم ابهام؛ استحکام در ادبیات و اصطلاحات حقوقی؛ بیان شناسه تخصصی هر یک از لوایح و طرح‌های قانونی و علت پیشنهاد آن؛ ابتنا بر نظرات کارشناسی و ارزیابی تأثیر اجرای قانون؛ ثبات، نگاه بلندمدت و ملی؛ انسجام قوانین و عدم تغییر یا اصلاح ضمنی آن‌ها بدون ذکر شناسه تخصصی؛ جلب مشارکت حداکثری مردم، ذی‌نفعان و نهادهای قانونی مردم‌نهاد تخصصی و صنفی در فرایند قانون‌گذاری؛ عدالت‌محوری در قوانین و اجتناب از تبعیض ناروا، عمومی بودن قانون و شمول و جامعیت آن و حتی الامکان پرهیز از استثنای قانونی».

## فهرست منابع

۱. ابن‌ادریس، محمد بن احمد. (۱۳۸۷ش). موسوعة ابن‌ادریس الحلبي. قم: دلیل‌ما.
۲. اسماعیلی، محسن. (۱۳۹۶ش). گفتارهایی در حقوق رسانه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. اصفهانی، حسین بن محمد (راغب). (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ قرآن. بیروت: دار الشامیه.
۴. اصفهانی، محمد بن حسن (فاضل هندی). (۱۴۱۶ق). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. اکبری، کمال؛ پاک‌نیت، مجید. (۱۴۰۳ش). راهکارهای قرآنی مواجهه رسانه ملی با اخبار جعلی. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - ارتباطات، ۲۵(۶۵)، ۶۷-۹۲.  
<https://doi.org/10.22083/jccs.2024.426914.3812>
۶. انصاری، باقر. (۱۳۹۱ش). حقوق رسانه. تهران: سمت.
۷. ایازی، رضا؛ شریفی طرازکوهی، حسین؛ پاکزاد، بتول. (۱۴۰۲ش). تأملی بر آزادی بیان و مقابله با اخبار جعلی در پرتو سیاست‌گذاری سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا. سیاست‌گذاری عمومی، ۹(۲)، ۸۳-۹۶.  
<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.93609>
۸. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. (۱۴۰۲ش). بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه (بیانات؛ مورخ ۶ تیر ۱۴۰۲). بازیابی شده از [https://farsi.khamenei.ir/speech\\_content?id=53222](https://farsi.khamenei.ir/speech_content?id=53222)
۹. ترکاشوند، منصور؛ حیدری، عباسعلی؛ قیوم‌زاده، محمود. (۱۴۰۰ش). جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۲(۴)، ص ۲۵-۵۱. <https://doi.org/10.30465/eps.2021.34043.2673>
۱۰. جوهری. اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۱. حسینی اسفیدواجانی، بشیر. (۱۳۹۱ش). حقوق مخاطب در برابر رسانه‌های جمعی؛ ایران، انگلیس و آمریکا. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
۱۲. حسینی، سید محمد؛ جلالی، محمد. (۱۴۰۱ش). نقض ناپذیری حق آزادی بیان به بهانه صیانت از اخلاق از نگاه رانالد مایلز دژرکین با توجه به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. فصلنامه تأملات اخلاقی، ۳(۳)، ۶۸-۴۷. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26764180.2022.3.3.3.9>
۱۳. حلبي، علی بن حسن. (۱۴۱۴ق). إشارة السبق. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۴. حیدری، علی‌مراد. (۱۴۰۲ش). حقوق جزای عمومی؛ بررسی فقهی - حقوقی واکنش علیه جرم. تهران: سمت.
۱۵. خرازی، محسن. (۱۴۲۳ق). البحوث الهامة في المكاسب المحرمة. قم: مؤسسة در راه حق.
۱۶. دوریو، امانوئل؛ گرانته، آنیس. (۱۳۹۳ش). حقوق رسانه‌ها، (ترجمه مجید ادیب). تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۷. شرف‌الدین، عبدالحسین. (۱۴۳۱ق). موسوعة الإمام السيد عبدالحسين شرف الدين (أجوبة مسائل موسى جار الله). بیروت: دار المؤرخ العربی.

۱۸. شریعت موسوی اصفهانی، مصطفی. (۱۳۸۵ش). الشهاب فی مسألة الحجاب. قم: دار التفسیر.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمدعلی. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین. تهران: مکتبه المرتضویه.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ش). المبسوط فی فقه الإمامیه. قم: مکتبه المرتضویه.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۰ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. عاملی، محمد بن حسن (حر عاملی). (۱۳۶۷ش). وسائل الشیعه. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۲۵. فتاحی، الناز، و فریدونی، محمدعلی. (۱۳۹۹ش). بررسی راهکارهای حقوقی مقابله با فضا سازی رسانه‌ای و مطبوعاتی دشمنان علیه ارزش‌های اسلامی و انقلابی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران. در: پنجمین همایش بین‌المللی فقه و حقوق. وکالت و علوم اجتماعی. همدان. <https://civilica.com/doc/1238856>
۲۶. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.
۲۸. کرکی، علی بن حسین (محقق کرکی). (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البیت (ع) لإحياء التراث.
۲۹. مک لوهان، هربرت مارشال. (۱۳۷۷ش). برای درک رسانه‌ها، (ترجمه سعید آذری). تهران: سروش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۱. ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۸ش). هر اخلاقی اخلاق برای انسان است، در: زارع کهنمویی، اصغر. اخلاق، فصل نخست اصلاح (مجموعه گفتارها). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
۳۲. میرکلان، سید طه؛ محمدزاده، ساوالان. (۱۴۰۱ش). محدودیت‌های آزادی بیان در اسناد بین‌المللی و اسلام. اندیشه‌های حقوق عمومی، ۱۱۲(۱)، ۸۱-۹۸.
۳۳. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۷ش). حقوق جزای اختصاصی ۲: جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی (با نگرش تطبیقی). تهران: میزان.
34. Dworkin, R. (1966). Lord Devlin and the Enforcement of Morals. *The Yale Law Journal*, 75(6), 986-1005. <https://doi.org/10.2307/794893>
35. Dworkin, Ronald. (2013). *Taking Rights Seriously*. London: Bloomsbury Publishing.
36. ELFORD, G. (2021). Freedom of expression and social coercion. *Legal theory Journal*, 27(2), 149-175. <https://doi.org/10.1017/S1352325221000124>
37. Perrone, R. (2014). Public Morals and the European Convention on Human Rights. *Israel Law Review*, 47(3), 361-378. <https://doi.org/10.1017/S0021223714000144>